

پژوهشنامهٔ ادب حماسی، سال نوزدهم، شمارهٔ اول، پیاپی ۳۵، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۷۲-۱۴۳

«آسیب‌شناسی مقالات عرصهٔ فردوسی و شاهنامه در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵»

زهره سعادتی‌فر

دانش‌جوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

ابوالقاسم قوام

استاد راهنما، دانش‌یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسندهٔ مسؤول)

محمدجعفر یاحقی

استاد مشاوره، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲

چکیده

شاهنامه‌پژوهی در دههٔ هشتاد نسبت به سال‌های پیشین، شتاب بیش‌تری داشته و مقاله‌های فراوانی با روی‌کردهای نوین در مجلات این دوره به چاپ رسیده است. اما با توجه به روند چشم‌گیر مقالات در عرصهٔ فردوسی و شاهنامه طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ منتشر شده‌اند، شناخت کاستی‌های ساختاری و محتوایی در برخی مقالات مرتبط با شاهنامه‌پژوهی، بسیار پراهمیت است و نقد و آسیب‌شناسی چنین آثاری، ضروری می‌نماید.

آفت‌هایی در مقالات حوزهٔ فردوسی و شاهنامه بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به چشم می‌خورد که پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، پاره‌ای از آن‌ها را با شیوه گردآوری کتابخانه‌ای، نقد و ارزیابی می‌کند. آفت‌های چون؛ ناهماهنگی عنوان مقاله با محتوا، ارجاع به چاپ‌های نامعتبر شاهنامه و بی‌توجهی به منابع اصلی و پیشینهٔ پژوهش، سطحی بودن و گرایش به توصیف، تکرار مطالب، علمی و روش‌مند نبودن مقاله‌های انتقادی،

کاربرد زبان نامناسب، تحمیل معنا به متن و عیوب ساختاری مقالات در پژوهش پیش‌رو بررسی شده‌است. چنان‌چه اصلاحاتی از کاستی‌ها و بی‌دقتی‌ها (ساختاری و محتوایی) برای دور ماندن مقالات حوزه شاهنامه در زمینه انتشار اجرا گردد، نشانه خوبی برای رشد کیفی مقاله‌های آتی است.

واژگان کلیدی:

فردوسی، شاهنامه، آسیب‌شناسی مقاله، ساختار.



مقدمه

شاهنامه‌پژوهی، مجموعه پژوهش‌هایی در ارتباط با فردوسی و شاهنامه است. امروزه لزوم و اهمیت تدوین مقالات پژوهشی با شناخت و بهره‌گیری از دانش و مهارت‌های لازم به عنوان یک روند ادبی با وجود کم و کاستی‌های آن، پیوسته در حال رشد و بالندگی بوده و از موضوعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأثیر گرفته است.

تعداد مقالات دهه هفتاد در زمینه فردوسی و شاهنامه، هزار و نود و دو و در هفتاد سال پیش از آن، هزار و هفت مقاله است. حدود سی صد و چهل مقاله در محدوده زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ منتشر شده است. بر این پایه، بررسی و آسیب‌شناسی آثار پژوهشی در عرصه فردوسی و شاهنامه با وجود حجم قابل توجه مقالات، ضروری می‌نماید. در کنار مقاله‌های بازه پنج‌ساله، کاستی‌هایی در آثار مرتبط با موضوع فردوسی و شاهنامه به لحاظ ساختار و محتوا به چشم می‌خورد. بی‌تردید نقد و شناخت آفات و لغزش‌های پژوهشی چنین آثاری می‌تواند برای محققان و نویسندگان پژوهش‌های علمی و نوین، مؤثر به‌شمار آید.

هدف این گفتار، معرفی و بازیابی ایرادها و عیوب متن مقالات در پیوند با فردوسی و شاهنامه است که در مجلات و مجموعه مقالات به چاپ رسیده؛ هم‌چنین شناخت آسیب‌های مقالات سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ که به آن توجهی نشده، نقد و بررسی شده است. بیش‌ترین روی‌کردها، متن‌پژوهشی و تصحیح ابیات و بررسی حوادث، شخصیت‌ها و زندگی چهره‌ها در شاهنامه است که در پنج سال نخست دهه هشتاد، همواره مورد توجه پژوهندگان بوده است.

سؤالات پژوهش:

- ۱- مهم‌ترین روی‌کردهای شاهنامه‌پژوهی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در چه زمینه‌هایی بوده است؟ چرا؟
- ۲- مقاله‌های مرتبط با فردوسی و شاهنامه از جهت روش‌شناسی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ چگونه بوده است؟
- ۳- آسیب‌ها و آفات مقاله‌های عرصه فردوسی و شاهنامه در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ چه مواردی هستند؟

۴- بسامد تدوین مقاله‌های شاهنامه‌پژوهی و فردوسی‌شناسی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ چگونه است؟ و به چه دلایلی رشد داشته است؟

فرضیه‌ها

۱- مهم‌ترین روی‌کردهای شاهنامه‌پژوهی در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵، متن‌شناسی و تصحیح بیت‌های شاهنامه و نقد آثار، توجه به جنبه‌های اسطوره‌ای و تطبیق اسطوره‌های شاهنامه با جهان، مفاهیم و اندیشه‌های فردوسی بوده است. علت پرکاربردی آن، شرایط قومی و ملی جامعه است که کانون توجه قرار گرفته است. ملیت‌گرایی به عنوان یک روی‌کرد مهم در کنار ضرورت‌های آیینی و دینی مطرح شده و شاهنامه به عنوان سند فرهنگ ملی ایران شناخته شده است.

۲- مقاله‌های علمی- پژوهشی در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در بیش‌تر موارد، دارای ساختار علمی و روش‌مند و بر مبنای نظریات جدید است. اگرچه در برخی مقاله‌ها، نقص کیفی دیده می‌شود.

۳- مقاله‌هایی که در زمینه فردوسی و شاهنامه مطرح شده است، کم و بیش از این آسیب‌های پژوهشی در امان نمانده‌اند. ناآشنایی و کم‌توجهی به پیشینه پژوهش، کاربرد زبان نامناسب، تکرار مطالب، سطحی بودن و گرایش به توصیف، روش‌مند نبودن مقالات، ناهم‌خوانی عنوان با متن و ارجاع به چاپ‌های نامعتبر شاهنامه از آفات عمده و جدی مقاله‌های سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ است.

۴- توجه به موضوعات تحلیل داستانی و اسطوره‌ای، مفاهیم و اندیشه‌های فردوسی، زندگی‌نامه و شخصیت فردوسی، متن‌شناسی شاهنامه، از بنیادی‌ترین پژوهش‌هایی است که در پنج سال اول دهه هشتاد به آن توجه شده است. برگزاری کنفرانس و بزرگداشت فردوسی و شاهنامه موجب شده است، انتشار مقاله با موضوع فردوسی و شاهنامه با اقبال زیادی روبه‌رو شود.

۱- آسیب‌شناسی مقالات در عرصه فردوسی و شاهنامه در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵

۱-۱- ناهماهنگی عنوان مقاله با محتوا

عنوان هر مقاله در حکم معرف و بازگوکننده محتوا و هویت آن به‌شمار می‌رود بر همین اساس، نویسندگان باید در نهایت وسواس بهترین عنوان را برای پژوهش خود برگزینند تا

بتوانند رساننده موضوع و محتوای اصلی آن باشند (رک، فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). استفاده از عناوین روشن و دور از ابهام، کوتاه و در عین حال گیرا، ضروری می‌نماید. در بین مقالات، پژوهش‌هایی به چشم می‌خورد که عنوان با محتوا همخوانی ندارند؛ از جمله مقاله‌هایی که در ادامه می‌آیند: مقاله «پلنگینه‌پوش» (خسروزاده، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۷)، عنوان بسیار کوتاه دارد و به طور واضح نشان دهنده موضوع آن نیست. این مقاله، توضیحاتی پیرامون چند بیت از شاهنامه است و نویسنده آن گونه که به نظرش درست بوده، بیان کرده، دلایل خود را برشمرده و معنی کرده است. اما تنها بخش کوتاهی به پلنگینه‌پوش اختصاص دارد.

دیگر مقاله «هنر در شاهنامه، سیمای اغریث در شاهنامه» (محمدی، ۱۳۸۳: ۴۷-۴۹)، عنوان اصلی، هنر در شاهنامه و سیمای اغریث در پرانتز درج شده است اما محتوا به شرح شخصیت، صفات و داستان اغریث در شاهنامه می‌پردازد و تنها هم‌خوانی «هنر» که در عنوان مقاله آمده با چند سطری در معنای واژه اغریث است به معنای «صاحب خرد عالی» و «صاحب کردار عالی» و «پر خرد و پرهنر».

گاهی عنوان مقاله کلی و جامع بیان می‌شود، برای نمونه مقاله «هدف فردوسی» (شهبازی، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۴) نیز ظاهری کوتاه دارد اما پس از مطالعه، با مفهومی گسترده روبه‌رو می‌شویم بازتاب اهداف فردوسی را در شاهنامه او می‌بینیم. پژوهش، بسیار کلی است چراکه هرگز نمی‌توان در یک مقاله مختصر، هدف فردوسی را از سرودن یکایک داستان‌ها بررسی کرد.

عنوان برخی مقاله‌ها با محتوای متن تفاوت دارد به عنوان مثال در مقاله «بیت‌های زن ستیزانه در شاهنامه» (خطیبی، ۱۳۸۲: ۱۹-۲۶)، نخست گمان می‌رود فردوسی در شاهنامه اشعار زن‌ستیزانه که خود باور دارد سروده است اما محتوای مقاله، جعلی و الحاقی بودن بیت‌های زن‌ستیزانه را در شاهنامه ثابت می‌کند و افزوده کاتبان می‌داند که این موضوع، کاملاً متفاوت از عنوان مقاله است و خواننده را دچار لحظه‌ای درنگ می‌کند.

تعدادی از مقاله‌ها، عنوانی فراتر از محتوای آن دارند. برای نمونه، مقاله «خرد در گفتار فردوسی» (شاهرودی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۹) نویسنده تنها به موضوعات فرعی ساده‌تر اشاره می‌کند. حال آن‌که عنوان مقاله، دربردارنده تمامیت شالوده اعتقاد فردوسی است و حوادث شاهنامه بر محور خرد می‌گردد. محتوای بی‌فروغ و کم‌تأثیر این متن، شکوه عنوان مقاله را کم می‌کند.

زیاد بودن پاراگراف‌ها، خواننده را از درک محتوا نا امید می‌سازد. به عنوان نمونه، مقاله «اسطوره و حماسه، دو بنیاد هویت ایرانی» (دیلیم، ۱۳۸۵: ۴۵-۵۳)، حجم مقاله زیاد و مطالب آن سنگین و دیرپاب است. گمان می‌رود مطالب گردآوری شده فراتر از یک مقاله باشد.

نمونه دیگر در مقاله «یک بار دیگر سیاوش» (امامی، ۱۳۸۲: ۴۵ تا ۵۳) استفاده از جمله‌های طولانی به چشم می‌خورد. خواننده ارتباط مفهوم جمله اول تا جمله آخر را از دست می‌دهد و از دنبال کردن ادامه متن باز می‌ماند (همان، ۵۲).

مقاله «تقابل دو دیدگاه در یک داستان بهرام گور در شاهنامه فردوسی و هفت‌پیکر نظامی» (فرقدانی، ۱۳۸۲: ۴۶-۵۱) نمونه یک مقاله با عنوانی تقریباً بلند است؛ آن‌چنان که فتوحی (۱۳۸۵: ۱۲۶)، عنوان مقاله را معمولاً ده تا دوازده کلمه می‌داند. نمونه دیگر، مقاله «آرمان شهر زنان، با مقایسه تطبیقی داستان شهر زنان در اسکندرنامه شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی، با اسطوره‌های کهن یونانی و داستان‌های اوتوپیا» (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۳۲) مثال بارز در آوردن عنوان بلند با واژه‌های غیرضروری و اضافی است. با قدری دقت، می‌توان عنوان را فشرده‌تر و عبارت‌های مترادف را حذف کرد یا در متن مقاله به کاربرد و هم‌چنین مقاله «نگاهی دوباره به جای‌گاه زن در ادبیات با تأملی بر روایت نظامی و فردوسی از داستان خسرو شیرین» دور شدن متن از موضوع در مقاله «ترجمه‌ای منظوم از شاهنامه» (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۲۰) حس می‌شود و مقاله به سمت توضیحات تاریخی تمایل بیش‌تری دارد. در مقاله «چاره آسمان، بررسی اختراشماری در شاهنامه فردوسی» (دماوندی، ۱۳۸۲: ۹-۴۶) با این‌که نگارنده موضوع نویی در پژوهش طرح می‌کند، به درازا کشیدن مقاله، ملال آور می‌شود و خواننده، قدرت تمرکز بر موضوع را از دست می‌دهد.

۱-۲- ارجاع به چاپ‌های نامعتبر شاهنامه و بی‌توجهی به منابع اصلی و پیشینه

پژوهش

واضح است منابع یک نوشته پژوهشی، بخش مهم آن تحقیق است؛ هم‌چنین سستی و کم‌توجهی به منابع و بی‌اعتنایی به رعایت اصول ارجاع‌نویسی تا حد زیادی از اعتبار درجه علمی پژوهش می‌کاهد. «مشخصه پژوهش‌های اصیل و معتبر، توجه محقق به منابع اصیل و دست‌اول است، نه شرح و نقل و اخذ و اقتباس» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۲). استفاده از منابع نامعتبر و مآخذ و تصحیح‌های نادرست نویسندگان را به سمت بیت‌های الحاقی و نتایج نامطمئن می‌برد، تاجایی که برداشت‌های اشتباه از منابع بی‌اهمیت می‌تواند به پژوهش لطمه بزند.

برخی از نویسندگان مقاله‌های حوزه فردوسی و شاهنامه در استناد به منابع از چاپ‌هایی استفاده کرده‌اند که زمانی پاسخ‌گوی نویسندگان بوده‌اند. با گذشت زمان و دستیابی به منابع کهن و قابل اطمینان، شاهد پیشرفت قابل توجه شاهنامه‌پژوهی در دهه هشتاد به بعد بودیم. به طوری که ظهور نسخه‌های کهن و معتبر توانست پاسخ‌گوی گم‌شده پژوهندگان عرصه فردوسی و شاهنامه باشد.

استفاده از چاپ ژول مول در برخی مقاله‌ها در دهه هشتاد به چشم می‌خورد با وجود این که چاپ تصحیح شده و درست از جمله تصحیح خالقی مطلق، در دسترس محققان قرار داشته است. استفاده از بیت‌های الحاقی و تحلیل روایات نادرست از چاپ‌های بی‌اعتبار، سبب شده است گاهی تفسیرهای نادرست از بیت‌های جعلی به چاپ برسند. به عنوان نمونه، مقاله «نگاهی به بحث زندگی و مرگ در شاهنامه» (صدیقی، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۶)، برای پژوهش موضوع با اهمیتی چون زندگی و مرگ در شاهنامه، از هیچ منبع اصلی استفاده نکرده و تنها به مآخذی چون از «رنگ گل تا رنج خار» (سرآمی) بسنده کرده است اگرچه بهره‌گیری از مستندات معتبر در پژوهش، بسیار ضرورت دارد. در این مقاله زندگی و مرگ از نگاه فردوسی، در تقابل قرار می‌گیرند اما جای خالی منابع کاملاً حس می‌شود. نویسنده بارها در لابه‌لای مقاله به داوری می‌پردازد. در مقاله «خوانشی از زن در شاهنامه» (پاک‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۴۱) نویسنده از دو چاپ مختلف شاهنامه استفاده کرده است. استفاده از چاپ مسکو و ژول مول در این مقاله برای یافتن ابیات الحاقی نبوده است و نگارنده از روی تجربه و شنیده‌ها و ارادت به فردوسی (زن و ازدها هر دو در خاک به/جهان پاک از این دو ناپاک به) آن را متعلق به شاعر نمی‌داند و یا در مقاله «دین و اسطوره در اندیشه فردوسی» (حجازی، ۱۳۸۱: ۲۵۳-۲۷۲) به شاهنامه ژول مول رجوع شده است. در مقاله «باغ در شاهنامه فردوسی» (نصرتی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۴) تنها منبعی که دیده می‌شود، شاهنامه ژول مول است. استفاده از منابع غیر اصلی از دیگر آفات جدی مقاله علمی-پژوهشی است. مثال دیگر در مقاله «بازتاب شاهنامه فردوسی در غزلیات شمس» (سیف، ۱۳۸۲: ۱۶۸ و ۱۶۹)، نگارنده فقط با مراجعه به شاهنامه ژول مول متن را تنظیم کرده است. برخی نویسندگان فهرست منابعی اعلام نمی‌کنند؛ به عنوان نمونه مقاله «یک رسم کهن در شاهنامه» (شفق، ۱۳۸۵: ۱۶۷-۱۷۴) و بعضی دیگر که شمار آن‌ها کم نیست، فهرستی از منابع پژوهش خود ارائه نمی‌دهند برای مثال مقاله «فاصله زیباشناختی در داستان سیاوش» (جعفری، ۱۳۸۱: ۷۲-۷۶) و یا در مقاله «نقد و رد افسانه‌ها درباره فردوسی و شاهنامه» (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳: ۵۴-۷۰) یک مآخذ برای استخراج ابیات به کار رفته است (شاهنامه

تصحیح دبیر سیاقی) البتّه بیت‌های الحاقی شاهنامه در این منبع شناسایی نشده است و نمی‌تواند سند دقیقی برای شناخت تصحیح‌های درست از نادرست باشد.

نگارنده در مقاله «یک‌بار دیگر سیاوش» (امامی، ۱۳۸۲: ۴۵-۵۳) صرفاً از یک منبع نام برده، در حالی که قطعاً از منابع دیگری نیز سود جسته است. استفاده پژوهش‌گران از شاهنامه چاپ مسکو در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ با وجود دسترسی کم و بیش به یادداشتهایی از چاپ خالقی مطلق، بسیار فراگیر است. برای نمونه مقاله «اسطوره کیومرث گل‌شاه» (مدرّسی، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۶۴) که فقط از شاهنامه فردوسی برتلس چاپ مسکو نام می‌برد. مقاله‌هایی با درج عنوان پرجاذبه، نه‌تنها نشانی از ابیات استخراج شده ارائه نکرده‌اند که در متن مقاله هم هیچ نشانی برای ابیات شاهد نیاورده‌اند. به عنوان نمونه مقاله «پیوند ادب و سیاست رستم و اسفندیار، کامل‌ترین روایت از سر پیچی موجه» (امینی، ۱۳۸۴: ۱۳۰) عنوان مقاله، یکی از داستان شناخته شده در شاهنامه فردوسی است اما نگارنده از منبعی که ابیات را خارج کرده هیچ آدرسی نداده است.

آثاری در بین مقالات ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ مشاهده می‌شود که از چند شاهنامه با چاپ‌های متفاوت استفاده کرده‌اند. البتّه یا دید انتقادی داشته‌اند و با مقایسه ابیات، قصدشان تصحیح یا چالش معانی بوده^۱، یا از هر منبعی که در دسترس بوده است مانند چاپ‌های مختلف ژول مول، بروخیم، مسکو و ... نام برده‌اند. یک نمونه از پژوهش‌هایی که از چاپ‌های متفاوت نام می‌برد - به تعبیر «ابوالفضل خطیبی» که آن‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کند» (۱۳۸۵: ۲۱۹) و صرفاً از منابع دسترس استفاده کرده، مقاله «زن در شاهنامه» (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۷) است و از شاهنامه ژول مول ابیاتی می‌آورد که یا زبان نادرست دارد و یا از بیت‌های الحاقی است. نمونه‌اش در بیت: «بیامد به بالین فرّخ فرود/ بر او یکی آب‌گون دشنه بود» از ژول مول» (۲/۳۱۹) و در «شاهنامه خالقی دفتر سوم» همین بیت: «بیامد به بالین فرّخ فرود / بر جامه او یکی دشنه بود» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۵۷/۳) و در بیت دیگر از ژول مول: «به پیش پدر شد پر از ترس و باک / خروشان به سر بر همی ریخت خاک» در دفتر دوم خالقی آمده است: «به پیش پدر شد پر از درد و باک/ خروشان به سر برد پراگنده خاک» و بیت دیگری از ژول مول: «سرانجام هم در غم او بمرد/ روانش بشد سوی سهراب گرد». بیت آخر کاملاً الحاقی است و در تصحیح خالقی مطلق وجود ندارد و بر شاهنامه افزوده‌اند. مثال دیگری از مقاله

«زناشویی در شاهنامه» (معصومی دهقی، ۱۳۸۴: ۱۶-۲۳) نگارنده از دو شاهنامه با چاپ مختلف استفاده کرده و در راه تحلیل، الحاقی یا اصلی بودن ابیات در نظر او یکسان بوده است.

۱-۳- سطحی بودن و گرایش به توصیف

اگرچه شمار مقاله‌های علمی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به مراتب از توصیف، به سمت تحلیل پیش می‌روند، اما تعداد مقالاتی که تحلیل‌های سطحی و غیرمفید دارند کم نیست. پژوهش‌هایی خالی از ایده و طرح تازه، به یک تحقیق یا انشای توصیفی شباهت بیش‌تری دارند تا یک پژوهش علمی. به عنوان نمونه، مقاله «زندگی و اندیشه فردوسی» (آخته، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۰) با وجود ظاهری کم‌حجم درباره اندیشه‌های فردوسی، شواهد شعری بسیار اندکی استفاده کرده است و تنها با واژگان توصیف می‌کند. سطح پژوهش، تا حدّ زیادی ضعیف و غیر علمی است. از مقاله‌هایی که به آفت سطحی بودن دچار شده‌اند، مقاله «جای‌گاه انسان در شاهنامه» (چرخ‌چی، ۱۳۸۳: ۷۳۰-۷۳۸) است که عنوان خاصی دارد و پژوهشی نسبتاً کم‌بها و بدون مستندسازی از کار درمی‌آید. پژوهشی که اسناد آن بیان شود به ارزش و جای‌گاه پژوهش علمی می‌افزاید.

نمونه‌ای دیگر مقاله «خرد در گفتار فردوسی» (شاهرودی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۹)، با مشاهده عنوان مقاله، تصوّر خواننده بر دریافت سطح وسیعی از دانستنی‌هایی است که با مطالعه آن بر دانش ادبی خود بیافزاید. اما این پژوهش، بار علمی ندارد و موضوع به صورت بسیار سطحی در قالب تحقیق دانش‌آموزی بررسی شده، گویا نگارنده قصد داشته است صرفاً ابیات را معنی کند. برای مثال در مقاله «بازشناسی مضمون حماسی-اساطیری-رویارویی پدر و پسر- در روایتی از تذکره‌الاولیا» (علی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۹۱-۲۰۸) داستان ابراهیم ادهم به درازا کشیده شده این همان دلیل برای ملالت ذهن است. در نگارش مقاله، به دفعات اشتباه‌هایی به چشم می‌خورد که بیان‌گر سطحی گرفتن و بی‌اهمیتی پژوهش است. این‌گونه گمان می‌رود که مقاله با عجله تنظیم شده‌است؛ متنی که با شتاب تهیه شود حتی اگر نکته تازه‌ای به همراه داشته باشد، زمان اصلاح آن پس از چاپ شدن امکان‌پذیر نخواهد بود «سبویی که شکسته و آبی که ریخته».

۴-۱- تکرار مطالب در مقاله‌ها

یافتن نظریه یا طرح نو حرکت مهمی در پژوهش است. موضوعاتی که خالی از ایده و مطلب تازه باشند به یک تحقیق توصیفی بیش‌تر شباهت دارند تا یک نوشته علمی. از جمله آفات مقاله‌های عرصه فردوسی و شاهنامه در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ طرح عنوان‌های تکراری است. توجه نکردن به آثار منتشرشده و به کار بردن مطالب تکراری به جز اتلاف وقت نتیجه دیگری نخواهد داشت. برای نمونه دو مقاله با یک عنوان مشابه با اندکی تفاوت سطحی به چاپ رسیده‌اند. ۱- «خوانشی از زن در شاهنامه» (پاک‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۴۱) و ۲- «زن در شاهنامه» (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۷) اگرچه در مقاله جعفری، خاص بودن زنان شاهنامه را بررسی می‌کند اما مقاله پاک‌نیا ضمن مفصل بودن، برخی بیت‌هایی که به شاهنامه افزوده‌اند بدون اشاره به الحاقی بودن، ابیات به عنوان شاهد شعری مطرح می‌سازد. گاهی نویسنده، دچار تکرار توضیحات مقاله خود می‌شوند. آوردن مضامین اثبات شده، قدرت تجزیه و تحلیل را از خواننده سلب می‌کند. بخش نخست مقاله «نگاهی به داستان ضحاک ماردوش در شاهنامه فردوسی» (طاووسی، طبسی، ۱۳۸۵: ۱۶۸-۱۷۴)، جملات یک‌نواخت، بیش‌تر ذهن مخاطب را فرامی‌گیرد تا این که دست‌خوش تحول و تأثیر محتوا شود. تکرار عبارتی به همراه بیت شاهد آن، در مقاله «خُورَنَه مزدایی و بازتاب آن در آثار سه‌روردی و فردوسی» (مدرسی، ۱۳۸۲: ۱۹-۳۶) به چشم می‌خورد که از بی‌دقتی در نگارش و بازبینی است. گاهی زیاده‌روی در کاربرد اصطلاحات ناآشنا، یکی از دیگر آسیب‌های مقاله‌هاست. «استفاده از اصطلاحات تخصصی زبان‌های دیگر در مقاله باید برای خواننده متوسط رشته تخصصی آشنا باشد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). برای نمونه، مقاله «نگاهی به روش‌های ارجاع به منابع در شاهنامه» (نحوی، ۱۳۸۴: ۳۲-۶۴) در آغاز مقاله، با وجود این که یکی از مهم‌ترین پردستاوردترین مقالاتی است که در مورد شاهنامه نوشته شده است، کار مقایسه اصطلاحات عربی و معادل فارسی آن در آغاز مقاله، ظاهر پیچیده‌ای به پژوهش داده است.

گاهی نویسندگان برای تکمیل مقاله خود به شرح کامل داستان‌های شاهنامه می‌پردازند. برای بازگو کردن وقایع، ضرورتی ندارد که دست به زیاده‌گویی بزنیم. در مقاله «میترائیسم در شاهنامه» (امامی، ۱۳۸۲: ۵-۲۰) نگارنده به شرح مفصل ماجرای زال و سیمرغ و تولد رستم از ابتدا به طور کامل می‌پردازد تا در پایان داستان یک نتیجه بگیرد. در حالی که با اختصارگویی، هدف مقاله به آسان‌تر قابل دریافت بود (رک، همان، ۷-۱۱). تکرار مطالب، در برخی مقالات به

وضوح دیده می‌شود، برای مثال مقاله «چو یا دو» (رحیمی، ۱۳۸۲: ۹۷-۱۰۸) در بخش «ب» (۱۰۳) قسمت‌های ۱ و ۲ مکرراً بیان شده و پژوهش، بدون بازبینی به چاپ رسیده است.

۱-۵- روش‌مند نبودن مقاله‌های انتقادی

انتظار می‌رود در میان فزونی آثار، چاپ و نشرها بر اساس معیارهای دقیق علمی پیش رفته باشند، اما برخی نویسندگان، تنها به تمجید و معرفی اثر می‌پردازند و به جای نقدهای سازنده، گرفتار جانب‌داری‌های شخصی و زیاده‌روی‌های بیهوده می‌شوند. داشتن شیوه اخلاق نقّادی در پژوهش از ضروریات مقاله‌نویسی علمی است. به طور نمونه به مقاله «نگاهی به نقد ادبی» (رحم‌دل، ۱۳۸۵: ۸۵-۱۲۲) اشاره کرد. در این مقاله منتقد با متهم کردن نویسنده کتاب ارزشمند «نقد ادبی» به تخیل‌نویسی و تکراری بودن بخش سوم اثر و کاربرد تعریف‌های ترکیب یافته که خود به تعریف نیاز دارند، می‌پردازد. این شیوه، لحن شایسته را از متن دور می‌کند. به سبب روش بیان ناقدی که کلامش نوعی جانب‌داری شخصی محسوب می‌شود، نمی‌توان انتظار مقاله‌ای با شیوه علمی داشت. برای مثال مقاله «آرمان‌شهر زنان در اسکندرنامه شاهنامه و نظامی (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۳۲) با توضیحی در جهت ستم وارده بر زنان، مسأله بنیادین مطرح شده از سوی رادیکال فمنیست‌ها با شیب ملایم وارد حواشی تعصب‌های نژادی می‌گردد. تأثیر هواداری‌های افراطی، مقاله را سطحی و غیرعلمی جلوه می‌دهد. در جریان نقد، حواس‌مان باشد اسیر ایرادهایی که به آثار دیگران می‌گیریم، نشویم. مقاله «پلنگینه پوش» (خسروزاده، ۱۳۸۳: ۱۴) در ابتدای نگارش مقاله از بیت‌هایی که به نظر نویسنده نادرست معنی شده دلایل خود را برشمرده است و معنا کرده؛ این دقیقاً رفتار خود نویسنده است. در بیت: «به شهر شما شیر و ببر و پلنگ/ سواره درآیند هر سه به جنگ» بر اساس نظر شمیسا (۱۳۸۴: ۶۵)، «شیر و ببر و پلنگ» استعاره از «پهلوانان بزرگ و شجاع» دارد و همین معنا درست است.

۱-۶- کاربرد زبان نامناسب و پراکندگی جملات

هدف زبان در نوشتار پژوهشی، شکل علمی آن است. نویسنده مقاله برای آگاهی مخاطبان، باید از برهان و استدلال یاری بجوید. واژگان را با رنگ احساسی و توصیفی آغشته کردن از ویژگی‌های یک مقاله ناموفق است. نویسنده باید از سوق دادن زبان علمی به انشایی پرهیز کند و مقاله را به حد اطلاع‌رسانی، سرشار از مایه‌ها و یافته‌های نوین علمی بسازد و در جهت

انتقال و ارتقا موضوع کارساز باشد. یک نمونه «زندگی و اندیشه فردوسی» (آخته، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۳) از شمار همین مقاله‌هایی است که به آن اشاره کردیم. نویسنده به جای آوردن شواهد شعری در برابر اندیشه‌های فردوسی، تنها واژگان را توصیف می‌کند. نمونه بعد «یک صفحه پر اضطراب از تاریخ فردوسی‌شناسی در ارمنستان» (صمد، ۱۳۸۲: ۲۰۱-۲۰۷) جملات از انسجام لازم و منطقی بسیار دور شده، در گزینش واژگان درست فارسی، بی‌دقتی‌ها رفته و در انشای مقاله سهل‌انگاری به چشم می‌خورد.

۱-۷- تحمیل معنا به متن

نویسنده گاهی درک شخصی‌اش را به متن مقاله وارد می‌کند و به شکل قطعی نظرش را بازگو می‌نماید و نتیجه می‌گیرد. تحمیل عقیده شخصی به معنا، از آسیب‌های پژوهش علمی است. برخی مقالات با این شیوه درک و نظر خودشان را به تصور این که کشف تازه‌ای داشته‌اند، ارایه می‌دهند. به عنوان مثال، در مقاله «تجلی کلام علوی در شاهنامه و مثنوی» (آل یاسین، ۱۳۸۴: ۱۱۰ تا ۱۱۸) نگارنده اثر برای تطبیق بیت‌ها با احادیث و سخنان علی (ع) دقت و وسواس نشان داده است، اما برخی از ابیات شاهنامه لزوماً بر اساس احادیث نیست، این اشعار از اعتقاد ناب فردوسی سرچشمه می‌گیرد که سخنش را به در شاهوار علی (ع) نزدیک می‌سازد. توجه به باورهای خداگرایانه فردوسی، نتیجه‌گیری مقاله یاد شده را تحمیل معنا به متن توجیه می‌کند.

هم‌چنین نگارنده مقاله «پلنگینه پوش» (خسروزاده، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۷) از مقایسه ارتباط معنایی ابیات به الحاقی بودن آن پی می‌برد و در توضیح شمیسا (۱۳۸۵: ۲۵۹) برای کاربرد استعاره «واژگان شیر و ببر و پلنگ، شکی وارد نیست» که می‌گوید: در معنی این اسامی، همان بهتر که لفظ «دیگر پهلوانان» به کار رود. نظر نگارنده مقاله تا حد زیادی شخصی و به متن تحمیل شده است.

مقاله انتقادی «نگاهی به نقد ادبی» (رحم‌دل، ۱۳۸۵: ۸۵-۱۲۲) برای چندین نقد از بخش‌های کتاب «نقد ادبی شمیسا» عقیده شخصی خود را مطرح می‌کند. نگارنده از نقد جابه‌جایی شعر و شاعر (همان، ۹۴) آدرسی نیاورده و تنها به نشانی آیه که در کتاب نقد ادبی نادرست بیان شده است، اشاره می‌کند. در توضیح منازعه ساختگی بین آدم و فرشته که از کتاب نقد ادبی نقل می‌کند، وی را خیالباف^۳ می‌خواند (همان، ۹۹). در توضیح مصادره اموال زمین‌داران و طبقات دهاقین که چرا فردوسی قوم عرب و ترک را بی‌اصل و نسب می‌داند؟ این احتمال

وجود دارد که شمیسا (۱۳۸۳: ۲۵۶) به شریف بودن طبقه دهقان در آن زمان اشاره داشته باشد (یا این که روح پنهان همان زمین‌داران باشند). البته فردوسی حامی طبقه مرقه و نژادپرستی نبود و نه با بهره‌گیری از روح پنهان جهان بینی اشراف، در صدد زنده نگاه داشتن این عظمت رویایی بود. کاملاً آشکار است که ناقد این پژوهش، در اثر سخت‌گیری و وسواس، طریقی زیاده‌روی پیموده و در تشخیص متن، دچار بدفهمی و اشتباه شده است. نامطلوب‌تر این که، لحن بسیار تند و دور از ادب و احترام، در سراسر مقاله احساس می‌شود.

۱-۸- عیوب ساختاری مقاله

مقاله علمی - پژوهشی، ترکیبی از چند بخش است که هر کدام جای‌گاه ویژه‌ای در مقاله دارند و جابه‌جایی یا حذف‌شان، سبب نقص مقاله است. بخش‌های یک مقاله به ترتیب از آغاز تا انجام عبارت است از:

- ۱- برگه رویه
- ۲- عنوان
- ۳- چکیده
- ۴- کلیدواژه
- ۵- مقدمه
- ۶- بدنه نوشتار
- ۷- نتیجه
- ۸- پی نوشت
- ۹- کتاب‌نامه (رک، فتوحی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

مطالعه و بررسی مقالات انتشار یافته در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵، نشان می‌دهند؛ مقاله‌هایی که از این روش پیروی کرده‌اند، تعدادشان کم نیست. حرکت نسبی و منطقی پژوهش‌ها به سمت رعایت ساختار مقاله، با توجه به تعدادشان، در این سال‌ها، متغیر است. مقالات بسیاری از پژوهش‌گران در سال ۱۳۸۱، چکیده و کلیدواژه ندارد و برخی، فهرست منابع جامعی در اختیار خواننده قرار نداده‌اند و عده‌ای از نویسندگان در بازه سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳، به تنظیم مقدمه تمایلی نشان نداده حال آن که مقالات علمی - پژوهشی که در مجلات معتبر چاپ شده، بخش‌های مقاله را به ترتیب اجرا کرده‌اند. توجه به رعایت ساختار مقاله در بخش کتاب‌شناسی منابع، به نسبت دیگر بخش‌ها بیش‌تر به چشم می‌خورد.

سال ۱۳۸۱، با بیست و هفت مقاله منتشرشده، پنج مقاله دارای چکیده، چهار مقاله دارای کلیدواژه، شش مقاله به همراه مقدمه و دو پژوهش، با ارائه کتاب‌نامه تألیف شده‌اند. سال ۱۳۸۲ با تعداد سی و نه مقاله، پانزده پژوهش دارای چکیده، پانزده مقاله دارای کلیدواژه، هشت مقاله با مقدمه و بیست پژوهش فهرست منابع دارند. سال ۱۳۸۳، تعداد پنجاه و هشت مقالات چاپ شده‌است چهارده مقاله با چکیده، دوازده مقاله دارای کلیدواژه‌اند، هفت مقاله با مقدمه و در پانزده پژوهش، کتاب‌نامه ارائه می‌گردد. سال ۱۳۸۴، تعداد هشتادوشش مقاله

نوشته شده، هجده پژوهش دارای چکیده‌اند، هفده مقاله کلیدواژه دارند، ده مقاله با مقدمه و بیست و چهار پژوهش با کتاب‌شناسی ارائه شده‌اند. سال ۱۳۸۵، با صدوسی مقاله انتشار یافته، بیست و شش مقاله، چکیده دارد بیست و هفت مقاله کلیدواژه، بیست و پنج مقاله دارای مقدمه، و سی و هفت مقاله فهرست منابع آورده‌اند.

برخی از مقالات پژوهشی سال ۱۳۸۱ کم‌تر به روش پژوهش نوین توجه کرده‌اند؛ برای نمونه، مقاله «اشعار فردوسی در خردنامه و مواضع آن‌ها در شاهنامه» (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۱۸-۴) و دیگر مقاله «شاهنامه فردوسی به تصحیح ملک‌الشعراى بهار» (آل داوود، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۵) و مقاله «دریافتهایی از نامه نامور باستان» (منصف، ۱۳۸۵: ۵۸-۶۱) کلیدواژه و مقدمه ندارند.^۲

۲- بسامد تدوین مقالات عرصه فردوسی پژوهی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵

بررسی مقالات حوزه فردوسی و شاهنامه در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ نشان‌دهنده توجه و تمایل پژوهش‌گران به چنین آثاری است، هم‌چنین؛ مفاهیم شاهنامه و اندیشه‌های فردوسی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با نگاه عمیق‌تری روبه‌رو می‌شود. جدول‌ها و نمودارهای زیر بیان‌گر این حقیقت است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی زمانی مقالات (بر مبنای فردوسی و شاهنامه) در سال‌های

۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵

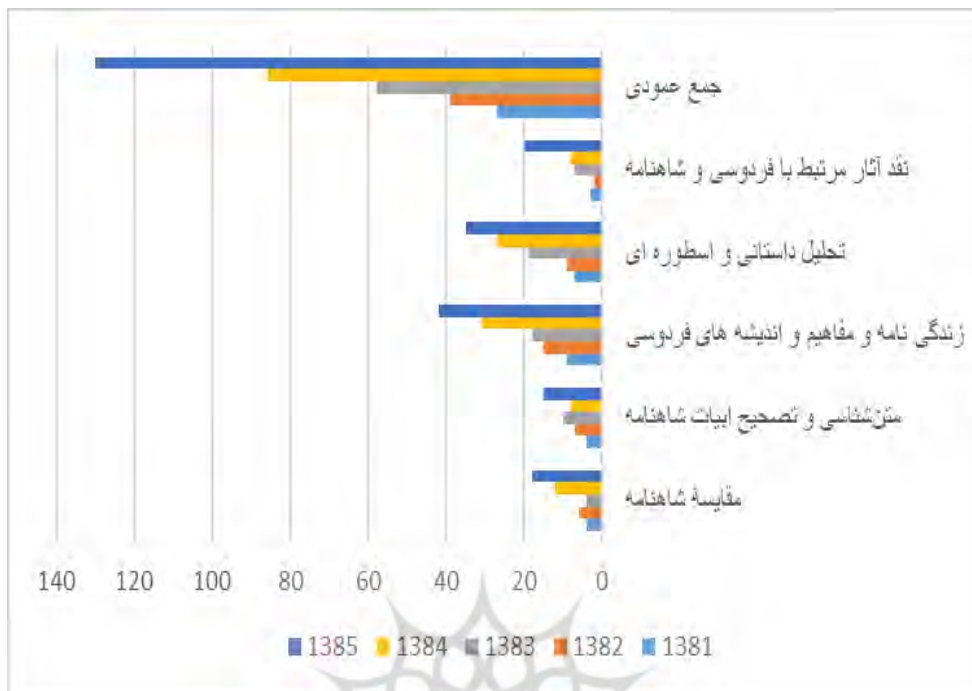
سال	تعداد مقاله‌ها	درصد
۱۳۸۱	۲۷	۷/۹
۱۳۸۲	۳۹	۱۱/۵
۱۳۸۳	۵۸	۱۷
۱۳۸۴	۸۶	۲۵/۳
۱۳۸۵	۱۳۰	۳۸/۳
جمع	۳۴۰	۱۰۰

جدول شماره ۱، نشان‌دهنده کل مقاله‌های چاپ شده در حوزه شاهنامه پژوهی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵، سیصد و چهل مقاله است. بیش‌ترین درصد رشد شاهنامه پژوهی، مربوط به سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ (۸۰/۶٪) است و کم‌ترین میزان به سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲ (۱۹/۴٪) اختصاص می‌یابد.

تعداد مقاله‌های علمی، معیار رشد کمی پژوهش و گویای سطح تحقیقات دانش‌گاهی است. حال آن‌که، برای تعیین بنیه واقعی پژوهش، از رشد کیفی مقالات، کاربردی شدن آن‌ها و یا مورد استناد و ارجاع قرار گرفتن را می‌توان نتیجه گرفت. در عرصه شاهنامه‌پژوهی، بالا بودن شمار مقالات، با افزایش کیفی و محتوایی نسبی همراه بوده است. علت پرکاربردی آن، شرایط قومی و ملی جامعه است که کانون توجه قرار گرفته است. ملیت‌گرایی، روی‌کردی مهم در کنار ضرورت‌های آیینی و دینی مطرح شده و شاهنامه به عنوان سند فرهنگ ملی ایران شناخته شده است. جدول‌ها و نمودارهای زیر گویای حرکت مهم در شاهنامه‌پژوهی است.

جدول شماره ۲: موضوع مقالات حوزه فردوسی و شاهنامه، سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵

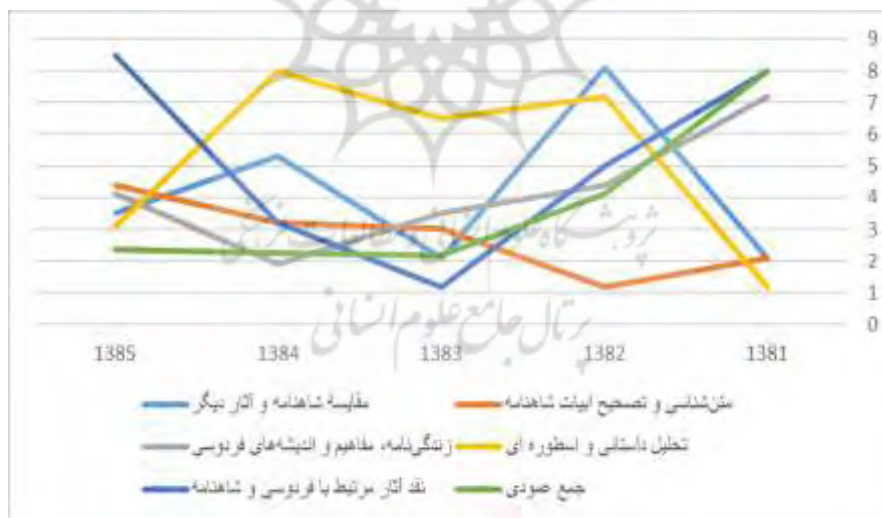
سال	مقایسه شاهنامه و آثار دیگر	متن‌شناسی و تصحیح ابیات شاهنامه	زندگی‌نامه و مفاهیم و اندیشه‌های فردوسی	تحلیل داستانی و اسطوره‌ای	نقد آثار مرتبط با فردوسی و شاهنامه	جمع عمودی
۱۳۸۱	۴	۴	۹	۷	۳	۲۷
۱۳۸۲	۶	۷	۱۵	۹	۲	۳۹
۱۳۸۳	۴	۱۰	۱۸	۱۹	۷	۵۸
۱۳۸۴	۱۲	۸	۳۱	۲۷	۸	۸۶
۱۳۸۵	۱۸	۱۵	۴۲	۳۵	۲۰	۱۳۰
جمع افقی	۴۴	۴۴	۱۱۵	۹۷	۴۰	۳۴۰



همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، عمده پژوهش‌های فردوسی‌شناسی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ انجام شده و بیش‌ترین درصد با موضوع زندگی‌نامه، مفاهیم، اندیشه‌های فردوسی، تحلیل داستانی و اسطوره‌ای و مقایسه شاهنامه و دیگر آثار است. هم‌چنین در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲ با کم‌ترین درصد مقاله‌های نوشته شده در موضوع نقد آثار مرتبط با فردوسی و شاهنامه، مقایسه شاهنامه و آثار دیگر، متن‌شناسی و تصحیح ابیات، مواجه هستیم. توجه نویسندگان به کشف اندیشه‌های فردوسی، یافتن مفاهیم، ارتباط داستان‌ها و اسطوره‌ها بیش‌تر دیده می‌شود اما تصحیح ابیات با توجه به این‌که دانش و مهارتی بسیار نیاز دارد بدین‌روی، حجم بالایی مقاله‌ها به زندگی‌نامه و شناخت شخصیت فردوسی اختصاص یافته است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی موضوعی مقالات حوزه فردوسی و شاهنامه سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵

سال	مقایسه شاهنامه و آثار دیگر	متن‌شناسی و تصحیح ابیات شاهنامه	زندگی‌نامه، مفاهیم و اندیشه‌های فردوسی	تحلیل داستانی و اسطوره‌ای	نقد آثار مرتبط با فردوسی و شاهنامه	جمع عمودی
۱۳۸۱	۱/۲	۱/۲	۲/۷	۲/۱	۰/۸	۸
۱۳۸۲	۱/۸	۱/۲	۴/۴	۲/۷	۰/۵	۱۱/۴
۱۳۸۳	۱/۲	۳	۵/۳	۵/۶	۲/۱	۱۷/۲
۱۳۸۴	۳/۵	۲/۳	۹/۱	۸	۲/۳	۲۵/۲
۱۳۸۵	۵/۳	۴/۴	۱۲/۴	۱۰/۳	۵/۸	۳۸/۲
جمع افقی	۱۳	۱۳	۳۳/۹	۲۸/۷	۱۱/۵	۱۰۰



جدول شماره ۳، حاکی از این است که بیش‌ترین رشد موضوع مقالات در حیطه زندگی‌نامه و اندیشه‌های فردوسی و مفاهیم شاهنامه بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ (۳۳/۹٪) و کم‌ترین میزان درصد مربوط به موضوع نقد آثار مرتبط با فردوسی و شاهنامه (۱۱/۵٪) است.

جدول شمارهٔ ۴: رویکردهای مقالات بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵

رویکردها	عنوان مقاله‌ها
مقایسهٔ شاهنامه با دیگر آثار	<p>۱. آرمانشهر زنان، مقایسهٔ تطبیقی داستان شهرزنان در /اسکندرنامه فردوسی و /اسکندرنامه نظامی.</p> <p>۲. نکته‌هایی دربارهٔ تلمیحات شاهنامه‌ای خاقانی. ۳. بازتاب شاهنامه در غزلیات شمس. ۴. همانندی‌های سیاسی شاهنامه و بوستان سعدی. ۵. تجلی کلام علوی در شاهنامه و مثنوی.</p>
متن‌شناسی و تصحیح	<p>۱. نگاهی تازه به معنی چندبیت از شاهنامه فردوسی.</p> <p>۲. پلنگینه پوش. ۳. نقد و رد افسانه‌ها درباره فردوسی و شاهنامه. ۴. چو یا دو. ۵. بازخوانی یک تصحیح. ۶. ترجمه‌ای منظوم از شاهنامه. ۷. تأملاتی دربارهٔ منابع و شیوهٔ کار فردوسی. ۸. خلاف آمد عادت در شاهنامه پژوهی.</p>
زندگی‌نامهٔ فردوسی، مفاهیم و اندیشه‌های او	<p>۱. نوا یک رسم کهن در شاهنامه. ۲. تجلی مدارسالاری در شاهنامه. ۳. زناشویی در شاهنامه. ۴. فردوسی خارج از دایرهٔ اوهام. ۵. باغ در شاهنامه. ۶. خرد در گفتار فردوسی. ۷. جایگاه انسان در شاهنامه. ۸. چارهٔ آسمان، بررسی اخترشماری در شاهنامه. ۹. زندگی و اندیشهٔ فردوسی. ۱۰. دین و اسطوره در اندیشهٔ فردوسی. ۱۱. زن در شاهنامه. ۱۲. فردوسی و اتهام زردشتی‌گری.</p>
تحلیل داستانی و اسطوره‌ای	<p>۱. نگاهی به داستان ضحاک ماردوش در شاهنامه</p> <p>۲. نگاهی به جلوه‌های دراماتیک در شاهنامه و خستهٔ نظامی. ۳. همانندی‌های دو قهرمان اسطوره‌ای در ادبیات حماسی ایران و ادبیات نمایشی ایرلند (رستم-کوهلین). ۴. یک‌بار دیگر سیاوش. ۵. اسکندر جهانگشا رویاروی مرگ. ۶. واگوی اسطوره ضحاک. ۷. تجلی میتزایسم در شاهنامه. ۸. اسطوره کیومرث گلشاه. ۹. ارزش‌های رمزی و نمادین البرز کوه در جغرافیای اساطیر شاهنامه. ۱۰. اسطوره آفرینش در شاهنامه.</p>
نقد آثار مرتبط با فردوسی و شاهنامه	<p>۱. نگاهی به نقد ادبی.</p> <p>۲. نگاهی به روش‌های ارجاع به منابع در شاهنامه. ۳. تصحیحات متن‌های انتقادی شاهنامه.</p>

نتایج جدول شماره ۴، بیش‌تر رویکردهای شاهنامه‌پژوهی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ را به ترتیب مقایسه شاهنامه با آثار دیگر (۱۳٪) متن‌شناسی و تصحیح (۱۳٪)، زندگی‌نامه و اندیشه‌های فردوسی و مفاهیم شاهنامه (۳۳٪/۹)، تحلیل داستانی و اسطوره‌های (۲۸٪/۷) و نقد آثار مرتبط با فردوسی و شاهنامه (۱۱٪/۵) نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی و نقد آسیب‌هایی که مقالات حوزه فردوسی و شاهنامه را تهدید می‌کند، نشانه خوبی برای رشد کیفی مقاله‌های سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ نیست. برخی از پژوهش‌هایی که به عنوان علمی - پژوهشی در مجله‌های دانش‌گاهی منتشر شده‌اند، پاره‌ای از این آفات را در خود دارند. در زمینه انتشار، اصلاحاتی از کاستی‌ها و بی‌دقتی‌ها (ساختاری و محتوایی) برای دور ماندن مقالات در حوزه شاهنامه می‌بایست اجرا گردد.

پژوهش حاضر، در زمینه شاهنامه‌پژوهی این موارد را از ضروریات تدوین مقاله برمی‌شمارد:

- برای اعتبار مقاله علمی - پژوهشی، توجه به پیشینه تحقیق و شناخت منابع اصلی و دقیق بسیار اهمیت دارد یکی به لحاظ ارجاع مستندات و دیگر دوری از تکرار.
- کاربرد چاپ‌های معتبر شاهنامه (شاهنامه خالقی مطلق) و پرهیز از ابیات الحاقی و افزوده شده برای درک و دریافت درست مفاهیم شاهنامه.
- شناخت داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه برای تشخیص به‌جا در تصحیح و معانی ابیات.
- استفاده از منابع با درج نام مؤلف و اثر و توجه به اصل رعایت امانت در ارجاع.
- پرهیز از به کارگیری زبان نامناسب، چه نگارشی و چه معنایی و استفاده از زبان علمی به جای زبان عامیانه و انشایی.
- پرهیز از داوری‌های مغرضانه، نقدها بدون جانب‌داری‌های یک‌طرفه باشد، رعایت احترام و ادب پژوهشی در سراسر مقاله.
- انتشار مقالاتی با رویکردهای نوین و ژرف‌نگری در بخش اساطیر، مقایسه و تطبیق مباحث با اسطوره‌های ادبیات جهان. دوری از سطحی‌نگری و انجام پژوهش‌های تحلیلی.

پی‌نوشت‌ها

۱- در مقاله «بازخوانی یک تصحیح» (دشتی، ۱۳۸۲: ۲۹-۴۲) نویسنده از شاهنامه با چاپ‌های متفاوت استفاده کرده است تا چند بیت را برای رسیدن به معنای درست‌تر به چالش بکشد. مقاله «رهنمودی نارسا به فراخوانی شاهنامه» (دوست‌خواه، ۱۳۷۱: ۲۴۲) محتوای انتقادی بایسته و نکته‌های قابل تأملی درباره‌ی تدوین فهرست‌ها و فرهنگ واژه‌ها دارد.

۲- تأویل کننده: خیال‌یاف.

۳- مقاله «از طبرستان تا مازندران» (فقیه، ۱۳۸۱: ۳۳-۳۴) و «من از فردوسی پیرترم» (سینایی، ۱۳۸۱: ۱۶-۲۱) و «به خاطر شاهرخ مسکوب و قلم تلخ خوشش، تقدّم خواهش پادشاهی برانگیزه دین بهی، تحلیلی از داستان رستم و اسفندیار با نگاهی به نگرش شاهرخ مسکوب به این داستان» (بهرام‌پور عمران، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۳۴) نیز از این گونه مقالات هستند.



فهرست منابع

- آخته، قاسم. (۱۳۸۴). «زندگی و اندیشه فردوسی»، *آناهید*، ش ۹، (صص ۱۰-۱۳).
- آل داوود، سیدعلی. (۱۳۸۱). «شاهنامه فردوسی به تصحیح ملک‌الشعراى بهار»، *نامه فرهنگستان*، ش ۳، (صص ۱۶۳-۱۶۵).
- آل یاسین، سیدتقی. (۱۳۸۴). «تجلی کلام علوی در شاهنامه و مثنوی»، *معرفت*، ش ۸۸، (صص ۱۱۰-۱۱۸).
- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۸۳). «نکته‌هایی در باره تلمیحات شاهنامه‌ای خاقانی»، *پژوهش‌های ادبی*، ش ۴، (صص ۷-۳۶).
- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۸۴). «خلاف آمد عادت در شاهنامه‌پژوهی»، *نامه پارسی*، ش ۴، (صص ۱۰۳-۱۲۴).
- امامی، حسن. (۱۳۸۲). «تجلی میتراپیسم در شاهنامه». *مجله ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه بیرجند*، ش ۳، (صص ۵-۲۰).
- امامی، حسن. (۱۳۸۲). «یک بار دیگر سیاوش»، *ادبیات داستانی*، ش ۶۶ و ۶۷، (صص ۷۲-۷۶).
- امینی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). «پیوند ادب و سیاست رستم و اسفندیار، کامل‌ترین روایت از سرپیچی موجه»، *مجله سیاسی-اقتصادی*، ش ۲۲۱-۲۲۲، (صص ۱۳۰-۱۴۱).
- براتی نایینی، رضا. (۱۳۸۵). «اسکندر جهانگشا رویاروی مرگ»، *مجله ادبیات فارسی دانش‌گاه آزاد مشهد*، ش ۱۱ و ۱۲، (صص ۲۱۲-۲۳۷).
- پاک‌نیا، محبوبه. (۱۳۸۵). «خوانشی از زن در شاهنامه»، *مطالعات زنان*، ش ۲، (صص ۱۱۱-۱۴۱).
- پورجعفر، محمدرضا و مهندس‌پور، فرهاد. (۱۳۸۴). «همانندی‌های دو قهرمان اسطوره‌ای در ادبیات حماسی ایران و ادبیات نمایشی ایرلند، رستم و کوهولین»، *پژوهش‌های ادبی*، ش ۷، (صص ۱۰۹-۱۲۰).

- جعفری، اسدالله. (۱۳۸۱). «فاصله زیباشناختی در داستان سیاوش»، *ادبیات داستانی*، ش ۶۶ و ۶۷، (صص ۷۲-۷۶).
- جوینی، عزیزالله. (۱۳۸۱). «شاهنامه فلورانس، بحث انگیزترین دست نوشته»، *نامه بهارستان*، ش ۵، (صص ۲۰۶-۲۱۰).
- حاکمی والا، اسماعیل و ریسی بهان، مصطفی. (۱۳۸۴). «نگاهی به جلوه‌های دراماتیک در شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی»، *مجله دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۷۶، (صص ۱-۲۲).
- حجازی، بهجت‌السادات. (۱۳۸۱). «دین و اسطوره در اندیشه فردوسی»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی تهران*، ش ۳۳، (صص ۲۵۳-۲۷۲).
- حسینی، مریم. (۱۳۸۵). «آرمان‌شهر زنان و مقایسه تطبیقی داستان شهر زنان در اسکندرنامه شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی با اسطوره‌های کهن یونانی و داستان‌های اوتوپایی»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۱۵، (صص ۱۱۷-۱۳۲).
- خسروزاده، بهروز. (۱۳۸۳). «پلنگینه‌پوش». *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، ش ۷۰، (صص ۱۴-۱۷).
- چرخ‌چی، عباس. (۱۳۸۳). «جایگاه انسان در شاهنامه»، *چیستا*، ش ۲۱۰، (صص ۷۳۰-۷۳۸).
- خطیبی، ابوالفضل. (۱۳۸۲). «بیت‌های زن ستیزانه در شاهنامه»، *نشر دانش*، ش ۲، (صص ۱۹-۲۶).
- داوری، پریسا. (۱۳۸۱). «نگاهی دوباره به جایگاه زن در ادبیات با تأملی بر روایت نظامی و فردوسی از داستان خسرو شیرین»، *مجله دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی اصفهان*، ش ۴۱، (صص ۲۷۷-۳۰۸).
- دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۸۳). «نقد و رد افسانه‌ها در باره فردوسی و شاهنامه»، *نامه انجمن*، ش ۱۳، (صص ۵۴ تا ۷۰).

- دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۸۱). «اشعار فردوسی در خردنامه و مواضع آنها در شاهنامه»، *نامه انجمن*، ش ۵، (صص ۴-۱۸).
- دشتی، مهدی. (۱۳۸۲). «بازخوانی یک تصحیح»، *شناخت*، ش ۳۷، (صص ۲۹-۴۲).
- دماوندی، مجتبی. (۱۳۸۲). «چاره آسمان، بررسی اخترشماری در شاهنامه فردوسی»، *مجله دانش‌کده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، ش ۵۰، (صص ۹-۴۴).
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۵). «یک داستان و چهار روایت مقایسه داستان بهرام گور در شکارگاه در چهار منظومه»، *پژوهش‌های ادبی*، ش ۱۴، (صص ۳۱-۵۲).
- راشدی، سید حسام‌الدین. (۱۳۸۵). «فردوسی و شاهنامه در سند»، *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی*، ش ۲۷، (صص ۶۳-۶۸).
- راشدی، سید حسام‌الدین. (۱۳۸۲). «چند نکته درباره فردوسی و شاهنامه»، *پژوهش‌نامه ادب غنایی*، ش ۱، (صص ۸۱-۹۶).
- رحم‌دل، غلامرضا. (۱۳۸۵). «نگاهی به نقد ادبی»، *نامه علوم انسانی*، ش ۱۴، (صص ۸۵-۱۲۲).
- رحیمی، سیدمهدی. (۱۳۸۲). «چو یا دو»، *مجله ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه بیرجند*، ش ۳، (صص ۹۷-۱۰۸).
- سبحانی، توفیق. (۱۳۸۳). «ترجمه‌ای از شاهنامه»، *نامه انجمن*، ش ۱۳، (صص ۱۱۲-۱۲۰).
- سرمد، غلامعلی. (۱۳۸۱). «نگاهی به اندیشه‌های مدیریتی فردوسی»، *مجله دانش‌گاه علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ش ۲۰، (صص ۹۳-۱۰۹).
- سیف، عبدالرضا. (۱۳۸۲). «بازتاب شاهنامه فردوسی در غزلیات شمس»، *مجله دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه تهران*، ش ۱۶۸ و ۱۶۹، (صص ۶۱-۸۰).
- سینایی، سمیرا. (۱۳۸۱). «من از فردوسی پیرترم»، *صحنه خرداد*، ش ۹، (صص ۱۶-۲۱).
- شاهرودی، فروغ. (۱۳۸۳). «خرد در گفتار فردوسی»، *فردوسی*، ش ۱۸، (صص ۳۷-۳۹).

- شفق، اسماعیل. (۱۳۸۵). «توای یک رسم کهن در شاهنامه»، *مجله دانش‌کدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۸۰، (صص ۱۶۷-۱۷۳).
- شعبانی، اکبر. (۱۳۸۵). «فردوسی خارج از دایرهٔ اوهام»، *مجلهٔ ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد*، ش ۱۲ و ۱۱، (صص ۶۴-۷۹).
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *نقد ادبی*، تهران: فردوس.
- شهبازی، شاپور؛ بقایی، مرجان. (۱۳۸۵). «هدف فردوسی»، *حافظ*، ش ۲۷، (صص ۳۴-۳۶).
- شهرام، مصطفی. (۱۳۸۵). «فردوسی در حدیث دیگران»، *حافظ*، ش ۲۷، (صص ۳۸-۳۹).
- صدیقی علی‌رضا. (۱۳۸۱). «نگاهی به بحث زندگی و مرگ در شاهنامه، مرگ در سایه‌سار شاهنامه»، *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، ش ۶۳، (صص ۱۲-۱۶).
- صمد، ولی. (۱۳۸۲). «یک صفحهٔ پراضطراب از تاریخ فردوسی شناسی»، *نامهٔ پارسی*، ش ۴، (صص ۲۰۱-۲۰۷).
- طاووسی، محمود؛ طبسی، محسن. (۱۳۸۵). «نگاهی به داستان ضحاکِ ماردوش در شاهنامهٔ فردوسی»، *مطالعات ایرانی*، ش ۱۰، (صص ۱۶۱-۱۷۴).
- علی‌زاده، ناصر. (۱۳۸۵). «بازشناسی مضمون حماسی - اساطیری رویارویی پدر و پسر در روایتی از تذکرهٔ الاولیا»، *پژوهش‌های ادبی*، ش ۱۲ و ۱۳، (صص ۱۹۱-۲۰۸).
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۸). *آیین نگارش مقالهٔ علمی - پژوهشی*، تهران: سخن.
- فخرالاسلام، بتول. (۱۳۸۳). «همانندی‌های سیاسی شاهنامهٔ فردوسی و بوستان سعدی»، *مجلهٔ ادبیات دانشگاه آزاد مشهد*، ش ۳ و ۴، (صص ۶۹-۸۵).
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، (دوره ۸ جلدی).
- فرقدانی، کبرا. (۱۳۸۲). «تقابل دو دیدگاه در یک داستان - بهرام گور در شاهنامهٔ فردوسی و هفت پیکر نظامی»، *فردوسی*، ش ۱۱ و ۱۰، (صص ۴۶-۵۱).
- کرمی، محمد. (۱۳۸۳). «سخن ماه، هشدار ملی»، *فردوسی*، ش ۲۵ و ۲۴، (صص ۳۶-۴۲).

- ، محمدحسین. (۱۳۸۵). «نگاهی تازه به معنی چند بیت از شاهنامه فردوسی، داستان رستم و اسفندیار»، پژوهش‌های ادبی، ش ۱۴، (صص ۱۱۹-۱۴۲).
- گودرزی منفرد، شهروز. (۱۳۸۴). «تجلی مادر سالاری در شاهنامه»، حافظ، ش ۲۱، (صص ۶۳-۶۶).
- محمدی، هاشم. (۱۳۸۳). «هنر در شاهنامه، سیمای اغریث در شاهنامه»، فردوسی، ش ۲۴ و ۲۵، (صص ۴۷-۵۳).
- محمدی، هاشم. (۱۳۸۴). «کک کوهزاد»، کتاب ماه، ش ۹۱، (صص ۳۸-۴۳).
- محمدی، هاشم. (۱۳۸۲). «تأملاتی در والایی سخن»، فردوسی، ش ۱۴، (صص ۳۶-۳۷).
- مدرس، فاطمه. (۱۳۸۲). «خورنه مزدایی و بازتاب آن در آثار سهروردی و فردوسی»، مجله دانش‌کده ادبیات علوم انسانی اصفهان، ش ۳۴، (صص ۱۹-۳۶).
- مدرس، فاطمه. (۱۳۸۴). «اسطوره کیومرث گل‌شاه»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانش‌گاه شیراز، ش ۴۴، (صص ۱۵۲-۱۶۴).
- معصومی دهقی، احمدرضا. (۱۳۸۴). «زناشویی در شاهنامه»، آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۱۸، (صص ۱۶-۲۳).
- منصف، مصطفی. (۱۳۸۵). «دریافتهایی از نامور نامه باستان»، آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۷۷، (صص ۵۸-۶۱).
- منتصب مجابی، حسن. (۱۳۸۲). «فردوسی و اتهام زردشتی‌گری»، پژوهش‌های ادبی، ش ۱، (صص ۱۲۹-۱۴۳).
- مهرابی، سیدمحسن. (۱۳۸۱). «نوروز در خرد ایرانیان»، فردوسی، ش ۳، (صص ۱۲-۱۴).
- مهندسی‌پور، فرهاد و کاووسی، محمود. (۱۳۸۴). «بندیشن در شاهنامه»، مطالعات ایرانی، ش ۸، (صص ۱۹۹-۲۱۴).
- نحوی، اکبر. (۱۳۸۴). «نگاهی به روش‌های ارجاع به منابع در شاهنامه»، نامه فرهنگستان، ش ۲۸، (صص ۳۲-۶).

- نصرتی، مسعود. (۱۳۸۳). «باغ در شاهنامه فردوسی»، *موزه‌ها*، ش ۴۱، (صص ۱۱-۱۴).
- نگهبان، محمدرضا. (۱۳۸۵). «واکاوی اسطوره ضحاک»، *مجله ادبیات فارسی دانش‌گاه آزاد مشهد*، ش ۹، (صص ۱۴۲-۱۵۰).
- ولک، رنه و اوستین وارن. (۱۳۷۳). *نظریه ادبیات*، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- هاشمی، منیرالسادات. (۱۳۸۴). «ارزش‌های رمزی و نمادین البرز کوه در جغرافیای اساطیری شاهنامه»، *مجله ادبیات فارسی دانش‌گاه آزاد مشهد*، ش ۷ و ۸، (صص ۱۹۳-۲۰۲).

References

- Akhteh, Qasim. (1384). "Ferdowsi's life and thoughts", *Anahid*, No.9. 10-13.
- Al-Dawood, Seyyed Ali. (1381). "The Shahnameh of Ferdowsi corrected by Malek al-Shoara Bahar", *Nameh-ye-Farhangistan*, No.3. 163-165.
- Al-Yasin, Sayyid Taqi. (1384). "Manifestation of Alavi's word in Shahnameh and Masnavi", *Maarefat*, No.88. 110-118.
- Aidanlu, Sajjad. (1383). "Notes about Khaqani's allusions to Shahnameh", *Literary Researches*, No.4. 7-36.
- Aidanlu, Sajjad. (1384). "Contrary to Habit in Shahnameh Studies", *Nameh-ye-parsi*, N.4. 103-124.
- Emami, Hasan. (1382). "Manifestation of Mithraism in Shahnameh". *Journal of Literature and Humanities of Birjand University*, No.3. 20-5.
- Emami, Hasan. (1382). "One more time Siavash", *fiction literature*, No.66 and 67. 72-76.
- Amini, Ali Akbar. (1384). "The link between Rostam and Esfandiar's politeness and politics, the most complete account of justified defiance", *Political-Economic Magazine*, No.222 and 221. 130-141.
- Brati Nayini, Reza. (1385). "Iskander Jahangosha Facing Death", *Magazine of Persian Literature of Azad University of Mashhad*, No.11 and 12. 212-237.
- Paknia, Mahboubeh. (1385). "Reading about woman in the Shahnameh", *Women Studies*, No.2. 111-141.



- Pourjafar, Mohammadreza and Mohandespour, Farhad. (1384). "Similarities of two mythical heroes in Persian epic literature and Irish dramatic literature, Rostam and Kohulin", *Literary Researches*, No.7. 109-120.
- Jafari, Asadullah. (1381). "Aesthetic distance in the story of Siavash", *fiction literature*, No.66 and 67. 72-76.
- Joveyni, Azizullah. (1381). "The Shahnameh of Florence, the most controversial manuscript", *Nameh-ye-Baharestan*, No.5. 206-210.
- Hakimi Vala, Ismail and Raisi Behan, Mustafa. (1384). "Looking at the dramatic effects in Shahnameh of Ferdowsi and Khamsa of Nizami", *Journal of Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran*, No.176. 22-1.
- Hijazi, Behjat al-Sadat. (1381). "Religion and mythology in Ferdowsi's thought", *Journal of Humanities, Shahid Beheshti University of Tehran*, No. 33. 272-253.
- Hosseini, Maryam. (1385). "Utopia of women and a comparative comparison of the story of the city of women in Iskandarnameh of shahnameh of Ferdowsi and Iskandarnameh of Nizami with ancient Greek myths and utopian stories", *Women in Development and Politics*, No.15. 117-132.
- Khosrowzadeh, Behrouz. (1383). "The Knight in the Panther's Skin". *Development of Persian language and literature education*, No.70. 14-17.
- Charkhchi, Abbas. (1383). "Man's place in the Shahnameh", *Chista*, No.210. 730-738.
- Khatibi, Abolfazl. (1382). "Anti-feminist verses in the Shahnameh", *Danesh Publication*, No.2. 26-19.
- Davari, Parisa. (1381). "A second look at the position of woman in literature with a reflection on Nizami and Ferdowsi's narration of Khosrow Shirin's story", *Magazine of Isfahan School of Literature and Human Sciences*, No.41. 277-308.
- Dabirsiaghi, Mohammad. (1383). "Criticism and refutation of legends about Ferdowsi and Shahnameh", *Nameh-ye-Anjoman*, No.13. 54-70.
- Dabirsiaghi, Mohammad. (1381). "Ferdowsi's poems in Kheradnameh and their positions in Shahnameh", *Nameh-ye-Anjoman*, No.5. 18-4.
- Dashti, Mehdi. (1382). "Rereading a correction", *Shenakht*, No.37. 29-42.
- Damavandi, Mojtabi. (1382). "The heaven's solution, Analysis of Astrology in Shahnameh of Ferdowsi", *Magazine of Faculty of Humanities of Semnan University*, No.50. 44-9.

- Zulfaqari, Hasan. (1385). "One story and four narratives comparing the story of Bahram Gur in Shekargah in four systems", *Literary Researches*, No.14. 31-52.
- Rashidi, Seyyed Hesam al-Din. (1385). "Ferdowsi and Shahnameh in Sindh", *Perspectives of Cultural Communication*, No.27. 63-68.
- Rahmdel, Qolamreza. (1385). "A Look at Literary Criticism", *Journal of Human Sciences*, No.14. 122-85.
- Rahimi, Seyyed Mehdi. (1382). "Cho Ya Do", *Journal of Literature and Humanities of Birjand University*, No.3. 108-97.
- Sobhani, Towfiq. (1383). "A translation of Shahnameh", *Nameh-ye-Anjoman*, No.13. 112-120.
- Sarmad, Qolam Ali. (1381). "A Look at Ferdowsi's Management Thoughts", *Journal of Human Sciences of Sistan and Baluchistan University*, No.20. 109-93.
- Saif, Abdul Reza. (1382). "Reflection of Shahnameh of Ferdowsi in Divan-e-Shams", *Tehran University School of Literature and Humanities Magazine*, No.168 and 169.61-80.
- Sinayi, Samira. (1381). "I am older than Ferdowsi", *Scene of Khordad*, No.9. 16-21.
- Shahroudi, Forouq. (1383). "Wisdom in Ferdowsi's speech", *Ferdowsi*, No.18. 37-39.
- Shafaq, Ismail. (1385). "Nova, an ancient custom in the Shahnameh", *Magazine of Faculty of Literature and Humanities of Tehran University*, No.180. 167-173.
- Shaabani, Akbar. (1385). "Ferdowsi outside the circle of illusions", *Magazine of Persian Literature of Azad University of Mashhad*, No.11 and 12. 64-79.
- Shamisa, Sirus. (1383). "Literary criticism", Tehran: *Ferdows*.
- Shahbazi, Shapur; Baqayi, Marjan. (1385). "Ferdowsi's purpose", *Hafiz*, No.27. 34-36.
- Shahram, Mustafa. (1385). "Ferdowsi in the words of others", *Hafiz*, No.27. 38-39.
- Seddiqi Alireza (1381). "Looking at the discussion of life and death in the Shahnameh, death in the shadow of the Shahnameh", *Development of persian language and literature education*, No.63. 12-16.
- Samad, Vali (1382). "A disturbing page from the history of Ferdowsi studies", *Nameh-ye-Parsi*, No.4. 201-207.



- Tavousi, Mahmoud; Tabasi, Mohsen. (1385). "A look at the story of Zahhak Mardosh in Shahnameh of Ferdowsi ", *Iranian Studies*, No.10. 161-174.
- Alizadeh, Naser. (1385). "Recognition of the epic-mythological theme of father and son confrontation in a narration from Tazkirat Al-Awaliya", *Literary Researches*, No.12-13. 191-208.
- Fotuhi, Mahmoud, (1388). "*Rules for writing a scientific-research article*", Tehran: *Sokhan*.
- Fakh al-Islam, Batul. (1383). "Political similarities between Shahnameh of Ferdowsi and Bostan of Saadi", *Mashhad Azad University Literature Magazine*, No.3-4. 69-85.
- Ferdowsi, Abulqasem. (1389). *Shahnameh*, by the efforts of Jalal Khaleghi Motlaq, Tehran: *Center for the Great Islamic Encyclopedia*, (8 volumes).
- Farghdani, Cobra. (1382). "Confrontation of two views in one story - Bahram Gur in Shahnameh of Ferdowsi and Haft-Peykar of Nizami", *Ferdowsi*, No.10 and 11. 46-51.
- Karami, Mohammad. (1383). "The moon's word, National Warning", *Ferdowsi*, No.24 and 25. 36-42.
- Karami, Mohammad Hossein. (1385). "A new look at the meaning of some verses of Shahnameh, of Ferdowsi Rostam and Esfandiar's stories", *Literary Researches*, No.14. 119-142.
- Goudarzi Monfared, Shahrouz. (1384). "The Manifestation of Matriarchy in the Shahnameh", *Hafiz*, No.21. 63-66.
- Mohammadi, Hashem. (1383). "Art in the Shahnameh, the image of Aqiririh in the Shahnameh", *Ferdowsi*, No.24 and 25. 47-53.
- Mohammadi, Hashem. (1384). "Kok-e Kohzad", *Kitab-e-Mah*, No.91. 38-43.
- Mohammadi, Hashem. (1382). "Reflections on high speech", *Ferdowsi*, No.14. 36-37.
- Modarresi, Fatemeh. (1382). "Khornayieh of Mazda and its reflection in the works of Suhrevardi and Ferdowsi", *Magazine of Isfahan Humanities Literature School*, No.34. 36-19.
- Modarresi, Fatemeh. (1384). "The myth of Gul Shah's kiomars", *Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University*, No.44. 152-164.
- Masoumi Dehaghi, Ahmad Reza. (1384). "Marriage in the Shahnameh", *Persian language and literature education*, No.18. 16-23.
- Monsef, Mustafa. (1385). "Receipts from the ancient Namvar Nameh", *Teaching Persian Language and Literature*, No.77. 58-61.

- Montaseb Mojabi, Hasan. (1382). "Ferdowsi and the accusation of Zoroastrianism", *Literary Researches*, No.1. 129-143.
- Mehrabi, Seyyed Mohsen. (1381). "Nowruz in the wisdom of Iranians", *Ferdowsi*, No.3. 12-14.
- Mohandesipour, Farhad and Kavosi, Mahmoud. (1384). "Bondheshn in the Shahnameh", *Iranian Studies*, No.8. 199-214.
- Nahvi, Akbar. (1384). "A look at the methods of referencing sources in the Shahnameh", *Nameh-ye-Farhangistan*, No.28. 6-32.
- Nosrati, Masoud. (1383). "Garden in Shahnameh of Ferdowsi", *Museums*, No.41. 11-14.
- Negahban, Mohammad Reza. (1385). "Analysis of the myth of Dahhak", *Magazine of Persian Literature of Azad University of Mashhad*, No.9. 142-150.
- Wellek, René and Warren, Austin. (1373). "*The theory of literature*", trans. Zia Movahed and Parviz Mohajer, Tehran: *Elmi farhangi*.
- Hashemi, Monir al-Sadat. (1384). "The Mystic and Symbolic Values of Alborz Kuh in the Mythical Geography of the Shahnameh", *Journal of Persian Literature of Azad University of Mashhad*, No.7 and 8. 193-202.

